

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

سیاست، نقادی و عقلانیت در آرای پوپر و هابرماس

نگارش:

جهانگیر باقری ایلخچی

استاد راهنما:

آقای دکتر جهانگیر معینی علمداری

استاد مشاور:

آقای دکتر عبدالرحمن عالم

پایان نامه

برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته علوم سیاسی

مرکز اطلاعات مرکز علمی ایران  
تهیه در رک

آبان ماه ۱۳۸۲



بنام خدا  
دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی علوم سیاسی

گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد آقای / خانم: جهانگیر یاقری ایلیچی  
در رشته علوم سیاسی گرایش سیاست، نقدی و عقلانیت در آرای پوپر و هابرماس  
با عنوان سیاست، نقدی و عقلانیت در آرای پوپر و هابرماس  
را در تاریخ ۸۲/۸/۱۷

به عدد ۱۸۱۵ به حروف هزار و صد و پانزده  
با نمره نهایی: ۱۸۱۵

و درجه:                      ارزیابی نمود.

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر جهانگیر معینی علمداری	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر عبدالرحمن عالم	استاد	" "	
۳	استاد مدعو (یا استاد مشاور دوم)	دکتر حسین بشیریه	دانشیار	" "	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر احمد نقیب زاده	استاد	" "	

تذکر: این برگه پس از تکمیل توسط هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.

به یاد روح الوهی شهیدان طریق عقلانیت و حامیان عدالت، حریت،  
استقلال و سرافرازی ایران سربلند  
این اثر را فروتنانه،  
به پدر و مادرم  
آنانکه چون شمع سوختند  
مرا انسانیت، تفکر و پرسیدن آموختند  
تقدیم می‌کنم.

## چکیده

اندیشه سیاسی پوپرو هابرماس بر نوعی رابطه عقلانیت و انتقاد شکل گرفته است به صورتی که انتقاد گری و عقلانیت دو مفهوم کلیدی در اندیشه‌های این دو فیلسوف سیاسی محسوب می‌شوند.

سؤال اصلی: چرا علی‌رغم تاکید پوپرو و هابرماس به عنصر انتقاد و عقلانیت نظرات سیاسی کاملاً متفاوتی دارند؟

فرضیه اصلی: پوپرو و هابرماس هر دو میان مفهوم عقلانیت و انتقاد رابطه برقرار می‌کنند ولی پوپرو تلقی لیبرال و هابرماس تلقی رادیکال دارد به همین دلیل موضع‌گیری سیاسی آنها فرق می‌کند.

هدف پایان‌نامه موجود نشان دادن این موضوع است که چگونه ایدئولوژی به عنوان یک عامل میانجی می‌تواند نقش تعیین کننده در شکل دادن به افکار فیلسوفان سیاسی داشته باشد. با وجود عناصر مشترک در اندیشه پوپرو و هابرماس، به دلیل وجه افتراق ایدئولوژیک، آنها به دو پارادایم متفاوت تعلق دارند ضرورت طرح این است که رابطه موجود بین معرفت‌شناسی، ایدئولوژی و اندیشه سیاسی را نشان دهیم زیرا این سه عنصر با همدیگر پیوند دائمی دارند. این پایان‌نامه از یک مقدمه و چهار فصل و یک نتیجه‌گیری تشکیل شده است، مقدمه را اختصاص به روش و طرح فرضیه داده‌ایم. فصل اول را به مفهوم عقلانیت در فلسفه غرب اختصاص داده‌ایم که در آن ضمن ارائه تعاریف متعدد از مفهوم عقل به بررسی آن در دوره روشنگری پرداخته‌ایم و به مطرح کردن فلسفه نقادی لیبرال و عقلانیت پرداخته‌ایم و فیلسوفان اصلی این دوره (کانت، هگل، مارکس) را در ابعادی که در پوپرو هابرماس دخیل بودند مورد کنکاش قرار داده‌ایم. در فصل دوم رویکرد پوپرو هابرماس به عقلانیت را تحلیل و بررسی کرده‌ایم، و مبانی معرفت‌شناختی این دو فیلسوف و تاثیر آنها بر اندیشه سیاسی مورد توجه قرار داده‌ایم. در فصل سوم، سوگیری انتقادی پوپرو هابرماس به صورت مقایسه‌ای در قالب اشتراکات و افتراقات مورد نظر قرار داده‌ایم. در فصل چهارم، ضمن آزمودن فرضیه در قالب کلید واژه‌های متفاوت، تضاد پارادایمی پوپرو هابرماس را نشان داده‌ایم. در نتیجه‌گیری از تضاد پارادایمی به همگرایی پارادایمی رسیده‌ایم که نتیجه آن رسیدن از تضاد لیبرالی و رادیکالی به همگرایی در پارادایم لیبرالیسم است.

## - تقدیر، سپاسگزاری

این رساله اگر ارزشی در مجموعه تلاشهای تحقیقاتی داشته باشد مدیون راهنمایی و همکاری افراد بسیاری است شمار آنانکه به گونه‌ای سهمی در این اثر دارند، آنقدر زیاد است که ذکر نامشان در این مختصر نمی‌گنجد. اما بنا به وظیفه، اینجا لازم است از اساتید گرانقدری که در طول دوره تحصیلی و بخصوص در نوشتن این رساله، بنده مدیون آنها هستم تقدیر نمایم.

قبل از همه بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی‌ها و زحمات بی‌شائبه استاد ارجمند جناب آقای دکتر معینی علمداری تشکر کنم ایشان در تمامی دوران تحصیلم در دوره فوق لیسانس مشوق و راهنمایم بودند و در مراحل مختلف رساله، نکات ارزنده‌ای را به بنده آموختند و در نوشتن نکته به نکته متن رساله بنده را راهنمایی کردند. از استاد گرانقدر دکتر عالم سپاسگزارم که ضمن قبول مشاوره این پژوهش منت نهادند و با مطالعه دست نوشته‌های اینجانب راهنمایی‌ها و توصیه‌های ارزنده‌ای ارائه دادند. در اینجا از آقای دکتر بشیریه باید تقدیر و تشکر کنم که سمت داوری را در جریان دفاع از این رساله عهده دار بودند. در آخر این نکته را اضافه کنم مسئولیت تمامی ضعفها و کاستی‌های نوشته حاضر متوجه این جانب است.

جهانگیر باقری ایلخچی

## فهرست مطالب

۱	مقدمه و کلیات
۱	طرح مسئله و پژوهش:
۱	سئوال اصلی
۱	فرضیات رقیب
۲	پیشینه تحقیق
۲	هدف و اهمیت پژوهشی
۲	روش اجرای طرح
۳	سازماندهی پژوهش
۴	<b>فصل اول: مفهوم و جایگاه عقلانیت در تفکر غربی</b>
۵	- مقدمه‌ای در اهمیت روشنگری
۵	۱- مفهوم عقل
۷	۲- تلقی روشنگری از عقلانیت
۱۲	۳- بازسازیهای مفهوم عقلانیت
۱۲	الف کانت
۱۴	ب هگل
۱۷	۴- انتقادگری
۱۷	الف- کانت
۱۸	نقادی در خرد عملی
۲۰	ب- هگل
۲۳	ج- مارکس
۲۵	۵- لیبرالیزم و عقلانیت
۲۵	الف - عقل گرایی

۲۷	ب - فردگرایی
۲۷	پ - آزادی
۲۸	ت - عقلانیت و مدارا و تساهل
۲۹	ج) لیبرالیسم، دولت، حقوق و عقلانیت
۳۱	۶- عقلانیت در نهضت چپ
۳۱	الف) نظریه انتقادی و اثبات گرایی
۳۴	ب) اثبات گرایی، عقلانیت، رهایی و آزادی
۳۷	پی نوشتها فصل اول

## فصل دوم: رویکرد هابرماسی و پوپری به عقلانیت

۴۰	بخش اول یورگن هابرماس
۴۱	مقدمه معرفی اجمالی هابرماس
۴۳	۱- عقلانیت در اندیشه هابرماس
۴۴	۲- عقلانیت ابزاری و بازخوانی هابرماس از متقدمین
۴۷	۳- بازخوانیها
۴۷	۱- مارکس
۴۹	۲- ماکس وبر
۵۱	گذر از سنت به مدرنیته
۵۴	۱- افسون و توهم زدای
۵۴	الف اخلاق پروتستانی
۵۵	ب- تمایز حوزه‌های فرهنگی ارزش و کنش
۵۵	پ قانون و عدالت
۵۶	۲- مرحله دوم - «قفس آهنین»
۵۷	جایگاه عقل ابزاری در عقلانیت هابرماس



۵۸	انواع کنش از نظر هابرماس
۵۹	عقلانیت ارتباطی
۵۹	عقلانیت هدفمند در مقابل عقلانیت ارتباطی
۶۱	- ارتباطات و گفتار درمانی
۶۱	- اثرات رابطه روانکاوانه
۶۳	کنش تکاملی پارسونز بستر نظریه تکاملی هابرماس
۶۴	- ماتریالیسم تاریخی و کنش و عقلانیت ارتباطی
۷۲	زبان و عقلانیت ارتباطی
۷۷	۳- پیش فرضها و مقررات گفتار (کنش ارتباطی)
۷۷	جهان زیست
۸۱	جامعه‌شناسی سیاسی هابرماس
۸۱	گستره عمومی
۸۲	تاریخچه مفهوم حوزه عمومی
۸۳	هابرماس و حوزه عمومی
۸۴	حوزه عمومی لیبرال
۸۶	افکار عمومی و حوزه عمومی
۸۷	عقلانیت و قدرت در گستره عمومی
۹۰	- فرا ملیت و گسترش گستره عمومی
۹۴	مدل جهان شهری هابرماس
۹۶	بخش دوم کارل پوپر
۹۶	مقدمه
۹۸	رویکرد پوپری به عقلانیت
۱۰۰	- تقدم نظریه بر مشاهده
۱۰۲	تحدید میان علم و مابعدالطبیعه

۱۰۲	- عقلانیت و حقیقت
۱۰۳	- اسطوره چارچوب
۱۰۳	شناخت زمینه‌ای و رشد علمی
۱۰۶	نیازمندیها و رشد و ترقی شناخت
۱۰۷	عقلانیت و علوم اجتماعی
۱۰۷	مدلها و موقعیتها
۱۰۸	نظریه هویدا بودن حقیقت و نظریه توطئه
۱۱۲	عقلانیت تکاملی پوپر
۱۱۳	- رهیافت تکاملی با آزمون خطا در جهان سوم پوپر
۱۱۵	عقلانیت لیبرال و جامعه باز
۱۱۵	- تاریخ باوری و اسطوره سرنوشت
۱۱۷	فشار تمدن و جامعه بسته
۱۱۹	- یوتوپیا و زور ایمان به عقلانیت
۱۲۰	سیاست و عمل عقلانی و یوتوپیا
۱۲۱	عقلانیت، جامعه باز، حکومت دموکراتیک
۱۲۲	- اصول عقلانی لیبرالیسم از نظر پوپر
۱۲۴	دموکراسی آری دیکتاتوری نه
۱۲۷	پی نوشتهای فصل دوم
۱۳۴	<b>فصل سوم: سوگیری انتقادی در آرای پوپر و هابرماس</b>
۱۳۵	مقدمه
۱۳۶	الف) شباهتها
۱۳۶	۱- هر دو نقاد هستند و بین عقلانیت و انتقاد ارتباط می‌بینند
۱۳۶	الف) پوپر
۱۳۹	ب) هابرماس

- ۲- هر دو عقلانیت را به صورت مدرن می بینند ..... ۱۴۱
- الف) پوپر ..... ۱۴۱
- ب) هابرماس ..... ۱۴۳
- ۳- هر دو نقد را با آزادی مرتبط می دانند ..... ۱۴۶
- الف) پوپر ..... ۱۴۶
- ب) هابرماس ..... ۱۵۰
- ۴- پوپر و هابرماس هر دو بین دموکراسی و نقد ارتباط برقرار کرده اند ..... ۱۵۳
- الف) پوپر ..... ۱۵۳
- ب) هابرماس ..... ۱۵۷
- ب) تفاوتها ..... ۱۵۹
- ۱- کل گرای هابرماس و فردگرایی پوپر با نقد کل گرایی ..... ۱۵۹
- الف) پوپر ..... ۱۵۹
- ب) هابرماس ..... ۱۶۲
- ۲- نقادی هابرماس اجماعی است نقد پوپر رد اجماع است ..... ۱۶۵
- الف) پوپر ..... ۱۶۵
- ب) هابرماس ..... ۱۶۶
- ۳- تکامل گرایی پوپر در آزمون و خطا، تکامل گرایی هابرماس فراتر از نقد ..... ۱۶۷
- الف) پوپر ..... ۱۶۷
- ب) هابرماس ..... ۱۷۰
- ۴- در نقد پوپر، نقد با اپستیمولوژی گره خورده است در نقد هابرماس نقد و تفسیر جدا از هم  
است ..... ۱۷۲
- الف) پوپر ..... ۱۷۲
- ب) هابرماس ..... ۱۷۴
- پی نوشتهای فصل سوم ..... ۱۷۸

فصل چهارم: تمایزبخشی ایدئولوژیکی در آرای پوپر و هابرماس ..... ۱۸۲

۱- مقدمه ..... ۱۸۳

۲- رابطه هابرماس با چپ‌گرایی ..... ۱۸۳

الف) نقد جامعه سرمایه‌داری ..... ۱۸۳

ت) طبقه کارگر و هابرماس ..... ۱۸۵

پ) سوسیالیسم هابرماس ..... ۱۸۶

۳- سابقه لیبرالی افکار پوپر ..... ۱۸۸

۴- مقایسه محافظه‌کاری لیبرالیسم پوپر با رادیکالیسم هابرماس ..... ۱۹۰

لیبرالیسم و پوپر ..... ۱۹۶

سوسیالیسم و هابرماس ..... ۲۰۰

۵- پارادایم (طرح فرضیه) ..... ۲۰۵

الف) هابرماس ..... ۲۰۷

۱- ارتباط ..... ۲۰۷

۲- گفت‌وگو ..... ۲۰۸

۳- اجماع ..... ۲۰۹

۴- گستره عمومی ..... ۲۱۰

۵- نقد سرمایه‌داری و تأکید بر تضاد دولت و اجتماع ..... ۲۱۱

۶- بحران مشروعیت ..... ۲۱۲

۷- حمایت از جنبش‌های رادیکال ..... ۲۱۴

ب) پوپر ..... ۲۱۶

۱- فردگرایی و تأکید بر نقش فرد در جامعه (نوعی اصالت دادن به شهروند) ..... ۲۱۶

بورژوا ..... ۲۱۶

۲- نقد تاریخی‌گری و ضرورت تاریخی مارکس ..... ۲۱۸

۳- دفاع از دولت حداقل و آزادی مالکیت خصوصی ..... ۲۱۹

۲۲۰	۴- جامعه باز
۲۲۱	۵- مخالفت با رادیکالیسم سیاسی ضد غربی
۲۲۵	پی نوشتها فصل چهارم
۲۲۷	نتیجه گیری
۲۳۶	فهرست منابع

## - مقدمه و کلیات -

### طرح مسئله و پژوهش:

در اندیشه سیاسی پوپر و هابرماس نوعی رابطه عقلانیت و انتقاد شکل گرفته است به صورتی که عقلانیت و انتقادگری دو مفهوم کلیدی در اندیشه‌های این دو فیلسوف سیاسی محسوب می‌شود. هر دو ریشه در عقلانیت یونانی است و سیر حرکت از غرب است. عقلانیت را هر دو پروسه ناتمام می‌بینند. به نظر پوپر تئوری هیچ‌گاه کامل نمی‌شود. در نظر هابرماس پروسه عقلانیت مدام در حال تکامل است. پوپر و هابرماس بین حقیقت و عقلانیت رابطه برقرار می‌کنند. اینها رابطه بین نظر و عمل تأکید دارند. در تفکر پوپر نظریه ریشه در عمل است. نیازهای عملی سازنده نظر است. هابرماس، به پراکسیس تأکید می‌کند. عمل بر مبنای نظر حرکت می‌کند. با این حال این دو تفاوت‌هایی دارند. پوپر عقلانیت را به صورت یکپارچه می‌بیند. به عقلانیت وجه تکاملی نگاه می‌کند. غیرت‌سازی عقلانی و غیرعقلانی دارد. هابرماس غیرت‌سازی به صورت یکپارچه نمی‌بیند. در مجموع با این افتراقها ایدئولوژیهای سیاسی این دو متفاوت است و موضع‌گیری متفاوت این دو فیلسوف ریشه در ایدئولوژیهای متفاوت لیبرالیسم و سوسیالیسم است.

### سؤال اصلی:

چرا با توجه به تأکید هر دو به عنصر انتقاد و عقلانیت نظرات سیاسی کاملاً متفاوتی دارند؟

فرضیه اصلی: پوپر و هابرماس هر دو میان مفهوم عقلانیت و انتقاد رابطه برقرار می‌کنند. ولی پوپر تلقی لیبرال و هابرماس تلقی رادیکال دارد. به همین دلیل موضع‌گیری سیاسی این دو فرق می‌کند.

### فرضیات رقیب:

۱- با آنکه پوپر و هابرماس هر دو پیرو عقلانیت هستند ولی پوپر عقلانیت را در چارچوب رابطه فرد با جهان می‌سنجد. در حالی که هابرماس نگاهی اجماعی دارد.

۲- پوپر و هابرماس هر دو متفکرینی عقل‌گرا و غرب‌گرا هستند ولی هابرماس نگاهی رادیکال‌تر به مفهوم عقلانیت دارد.

۳- عقلانیت به مفهوم پوپری به فردباوری و آزادمسلكی می‌انجامد در حالیکه عقلانیت به مفهوم هابرماسی آن موید نوعی جمع‌گرایی خواهد بود که به آزادی مثبت منتهی می‌شود.

۴- پوپر عقلانیت را به صورت انتزاعی می‌بیند ولی هابرماس بین عقلانیت و تاریخ رابطه برقرار می‌کند و نگرش تکاملی دارد و میان عقل و تاریخ رابطه برقرار می‌کند.

### **پیشینه تحقیق:**

در برخی مقالات و کارهای پژوهشی در خارج از کشور پوپر هابرماس با هم مقایسه شده‌اند ولی تا آنجا که تحقیق به عمل آمده از این دیدگاه رابطه دو فیلسوف را مورد توجه قرار نمی‌دهند و در کارها پژوهش داخل کشور اولین نمونه از کارهای فلسفی - سیاسی است که در مورد این دو فیلسوف سیاسی به صورت پارادایمی انجام می‌شود.

### **هدف و اهمیت پژوهش:**

هدف طرح و پژوهش موجود نشان دادن این موضوع است چگونه ایدئولوژی به عنوان عامل میانجی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن به افکار فیلسوفان سیاسی داشته باشد که با وجود عناصر مشترک در اندیشه‌های پوپر و هابرماس به دلیل وجهه افتراک ایدئولوژیک، این دو به دو پارادایم متفاوت تعلق دارند ضرورت طرح این است رابطه معرفت‌شناسی، ایدئولوژی و اندیشه سیاسی را نشان دهیم زیرا این سه عنصر با هم دیگر پیوند دارند نمی‌توان هیچ کدام را بدون دیگری مورد توجه قرار داد.

### **روش اجرای طرح:**

ما در این پژوهش سعی کرده‌ایم که ایدئولوژی لیبرالیسم و سوسیالیسم را به صورت پارادایمی، مقایسه کنیم از مکتب لیبرالیسم کارل پوپر و از مکتب سوسیالیسم یورگن